

گزیده حکایت‌های کشف الاسرار میدی

مؤلفان:

فاطمه پهلوان شمسی

دکتر ماندانا منگلی (عضوبیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

دکتر آسیه فتح‌نیا عمران (عضوبیات علمی دانشگاه پیام نور)

سرشناسه	: میبدی، احمد بن محمد، قرن ۶ق.
عنوان فرارادادی	: کشف الاسرار و عده الابرار، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: گزیده حکایت‌های کشف الاسرار میبدی / مؤلفان فاطمه پهلوان شمس، ماندانا منگلی، آسیه ذبیح‌نیا عمران.
مشخصات نشر	: یزد: هومان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۸ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۷۴-۰۷-۴ ریا ۱۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب کشف الاسرار و عده الابرار معروف به تفسیر قرآن خواجه عبدالله انصاری است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: تفاسیر عرفانی -- قرن ۶ق.
موضوع	: تفاسیر اهل سنت -- قرن ۶ق.
موضوع	: نثر فارسی -- قرن ۶ق.
شناسه افزوده	: پهلوان شمس، فاطمه، ۱۳۵۰ -
شناسه افزوده	: منگلی، ماندانا، ۱۳۵۰ -
شناسه افزوده	: ذبیح‌نیا عمران، آسیه، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده	: میبدی، احمد بن محمد، قرن ۶ق. کشف الاسرار و عده الابرار، برگزیده ۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۱۲۷ ۵۰۱۲۷ ۱۰۰/م۹ BP
رده بندی دیویی	: ۴۹۷/۱۷۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۷۹۸۱۱



انتشارات هومان

گزیده حکایت‌های کشف الاسرار میبدی

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۷۴-۰۷-۴

مؤلفان: فاطمه پهلوان شمس - دکتر ماندانا منگلی - دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران

چاپ اول- بهار ۱۳۹۴

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: چاپ لقم

حروفچینی، صفحه آرایی: انتشارات هومان

یزد - میدان مارکار - مجتمع تجاری آزادی - طبقه اول - صندوق پستی ۸۹۱۶۷۹۸۱۵۷

تلفن: ۳۶۲۸۰۵۲۱، تلفکس: ۳۶۲۹۰۴۷۵

Web: www.hoomanpress.com

www.hoomannashr.ir

Email: info@hoomanpress.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	زندگی نامه ابوالفضل رشیدالدین میبدی
۵	آثار میبدی
۶	مذهب و عقیده میبدی
۷	ویژگی های ادبی کشف الاسرار
۹	فصل اول: حکایت های پیامبران در کشف الاسرار
۹	ذکر حکایت های انبیاء و امت های پیشین
۱۱	شرح حال حضرت آدم (ع)
۱۲	حکایت حضرت آدم (ع) در کشف الاسرار
۱۴	اول سجده عذربود، دوم سجده شکر
۱۵	شرح حال حضرت ابراهیم (ع)
۱۵	حکایت ابراهیم (ع) و گوسفندان رها شده
۱۸	حضرت ابراهیم (ع) و آتش
۱۹	راز کشتن چهار پرنده به دست حضرت ابراهیم

صفحه	عنوان
۲۱	شرح حال حضرت سلیمان
۲۲	مملکت دنیایی چون باد است
۲۲	سوال سلیمان از ملک‌الموت
۲۳	حضرت سلیمان(ع) و مرد کشاورز
۲۵	حضرت سلیمان(ع) و مورچه
۲۶	حضرت سلیمان(ع) و عفو دهد
۲۸	حضرت سلیمان(ع) و شیطان
۲۹	شرح حال لقمان حکیم
۳۰	نصیحت لقمان به فرزندش
۳۲	شرح حال حضرت شعیب(ع)
۳۳	گریه های حضرت شعیب(ع)
۳۳	شرح حال حضرت خضر(ع)
۳۵	دیدن خضر و الیاس
۳۶	شرح حال حضرت داود(ع)
۳۷	داود تو می گفتی گنهکاران میامرز
۳۷	آن وقت خوش بودم که با تو در صحبت بودم
۳۸	کرم خدا با بنده عاصی
۳۹	شرح حال حضرت یونس
۳۹	یونس مرد فخار را گوی ظروف یکسال بشکند
۳۹	شرح حال حضرت یعقوب

صفحه	عنوان
۴۰	یعقوب به هرچه نگرست یوسف دید
۴۱	شرح حال حضرت یوسف
۴۲	بریدن دست‌ها از دیدن یوسف
۴۳	قصه زلیخا و یوسف
۴۶	مشاهده جمال یوسف و زنان مصر
۴۷	یوسف در زندان
۴۹	روایاتی که باعث نجات یوسف شد
۵۱	بوی پیراهن یوسف
۵۳	شرح حال حضرت موسی (ع)
۵۳	موسی و دارو
۵۴	روایت موسی و خضر
۵۶	موسی و آتش
۵۷	حضرت موسی و عزرائیل
۵۸	شرح حال حضرت عیسی
۵۹	قصه عیسی و زن فاجره
۶۰	صدقه بلا را بگرداند
۶۰	حضرت عیسی در مناجات
۶۱	عیسی (ع) در باران
۶۲	عیسی سه کس را دید
۶۳	همنشینی عیسی با دوستان خدا

صفحه	عنوان
۶۳	شرح حال حضرت ادريس
۶۴	سبب رفتن ادريس به آسمان
۶۴	وعده آمرزش به فضل و رحمت خداوند
۶۵	کار خدایی و روزی به ما باز گذار
۶۵	شرح حال حضرت يحيی
۶۶	قصه يحيی زکریا و شیطان
۶۶	شرح حال حضرت محمد (ص)
۶۷	پیامبر با بچه یتیم
۶۹	پیامبر و زن نانوا
۶۹	خرید و فروش شتر بهشتی
۷۱	روز مباحله
۷۲	سلمان از ماست
۷۳	امید که از اهل فردوس باشم
۷۴	بوجهل و مرد ثقفی
۷۹	سفارش حضرت پیامبر (ص) به معاذ هنگام اعزام به یمن
۸۲	چرا به درگاه من نیامدی؟
۸۳	ثوبان و دیدار رسول خدا (ص)
۸۴	حوادث بعد از مرگ
۸۶	چگونه خدا معاذ را به اسلام دعوت نمود
۸۹	چند خدا داری؟

صفحه	عنوان
۸۹	حلم پیامبر
۹۱	مشاهده جمال حضرت پیامبر در قیامت با ذکر صلوات
۹۱	قصه هناد
۹۳	امت حضرت عیسی و امت حضرت محمد(ص)
۹۴	دریای حیرت پیامبر(ص) به موج آمد
۹۶	پیامبر(ص) اینگونه با مردم وداع کرد
۹۷	فردا هرکسی با آن خواهد بود که امروز او را دوست می‌دارد
۹۸	منافق از نعيم بهشت بی نصیب است
۹۸	پرواز با جبرئیل و میکائیل
۹۹	دریغا که قدر عمر خود نشناختم
۱۰۱	آفتاب از مغرب باز آمد
۱۰۲	مستغرق شدن سلمان در ذکر و ندیدن پیامبر
۱۰۳	قصه عایشه و شب نیمه شعبان و دیدن پیامبر
۱۰۵	قصه نزول وحی بر پیامبر
۱۱۱	حضرت امیرالمومنین(ع) و ده سوال از حضرت پیامبر(ص)
۱۱۳	ناراحتی پیامبر از نیامدن وحی
۱۱۴	اندوه عاصیان امت مرا بی‌قرار کرد
۱۱۵	نزول ملائکه در شب قدر
۱۱۸	متحول شدن صمصمه با شنیدن یک آیه
۱۱۹	عاقبت اصحاب فیل

صفحه	عنوان
۱۱۹	قربانی گوسفند در عید قربان
۱۲۰	سوره نصر و وفات پیامبر
۱۲۲	فرق حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد(ص)
۱۲۵	فصل دوم: حکایت‌های عرفانی
۱۲۶	حکایت فضیل عیاض
۱۲۷	راز سخنرانی خنید
۱۲۸	حکایت پیامبر و سنگی کوچک
۱۲۹	اول کسی که بر انسان به امر خدا سجده کرد
۱۳۰	ذوالنون مصری
۱۳۱	حضرت علی(ع) در نماز
۱۳۱	سفیان ثوری و طیب ترسا
۱۳۲	دوستی که چشم خود را مدت‌ها بر هم نهاد
۱۳۳	مرگ از نظر رابعه عدوی - سفیان ثوری - بلال حبشی و پیرزن عارفه
۱۳۴	حکایت حاتم اصم و شفیق بلخی با پیری فاسق
۱۳۵	بشر حافی و عاشق صادق
۱۳۶	امتحان مرد هوسران
۱۳۶	تصوف از سگ آموختم
۱۳۷	نصیحت بوسعید ابو الخیر
۱۳۷	برخورد بشر حافی و عبدالله منازل با مرگ
۱۳۸	مردی که با دیدن مرگ خندید!

صفحه	عنوان
۱۳۹	اگر او را علاج نکنی سرت بر کنگره‌ها خواهد رفت
۱۴۱	شراب معرفت
۱۴۳	حضرت امیرالمومنین (ع) و مفارقت حضرت زهرا (س)
۱۴۴	مالک دینار و گریه بر سر خاک برادرش
۱۴۴	آن می‌کنم تا تو گویی چه می‌کنی
۱۴۵	بویزد بسطامی و مرد اعور
۱۴۶	درویش نام خدا شنید به دیدارش شتافت
۱۴۷	زنی مومن و پدری کافر
۱۴۷	علی بن حسن (ع) در وقت احرام
۱۴۸	مشتاق دیدار برادر شدن
۱۴۹	از چهار چیز احتراز کن
۱۵۰	عاقبت مردی که هارون الرشید را امر به معروف کرد
۱۵۱	شستن مرده
۱۵۲	این چنین تقوا خاص خاندان حافی
۱۵۲	فاین الله؟
۱۵۳	ابراهیم ادهم در طواف
۱۵۴	نشان بندگی تو چیست؟
۱۵۴	دو هزار و هفتصد سال به حساب یتیمی مشغولم
۱۵۵	از کجا یافتم این رتبت و منزلت؟
۱۵۵	خدا به دل می‌نگرد

صفحه	عنوان
۱۵۷	علت نخوردن آب
۱۵۷	دوستان خدا کیانند؟
۱۵۸	اهل زمین را به تو سپردم
۱۵۸	این سوال از تو نیست!
۱۵۹	حرکت از شهر ظالمان به طرف صالحان
۱۶۰	هیچ کس از مرگ نتواند گریخت
۱۶۱	وقتی محبت کم می‌شود غیب‌ها پیدا می‌شود
۱۶۲	صحبت با کسی کن که غیب را بیوشاند
۱۶۲	کدام مهاجرت ارزشمند است
۱۶۴	دریا باش تا ننگندی
۱۶۴	در وقت نماز چه می‌کند
۱۶۵	آن روز برای خدا بود و امروز برای دنیا
۱۶۶	ما گنج پادشاه نمی‌خواهیم
۱۶۷	به علم نجومت نیاز نیست
۱۶۸	همیشه در صف آخر نماز بود
۱۶۹	دیگران را به طفیل تو بخشیدم
۱۶۹	حکایت پیرزن و فرزندش
۱۷۱	به جز سر کوی لیلی هیچ راه نمی‌برم
۱۷۲	آنچه که تو را بدین منزل رسانید
۱۷۲	هر سه دعا در کار وی شد

صفحه	عنوان
۱۷۳	ما تو را در کار خدا کردیم
۱۷۳	مودّنی که عاقبتش به کفر انجامید
۱۷۴	ستون مسجد نقره گرفت
۱۷۵	بوعلی سینا و اسیران رومی
۱۷۵	اشتیاق جمال ما باشد که دوستان را به وجد آورد
۱۷۶	کسی که طاقت دیدار صحبت یار ندارد
۱۷۶	داروی درد شلی
۱۷۷	در توکل تا کجا رفته‌ای
۱۷۷	ملک زمین کجا بری
۱۷۸	وعده آمرزش به فضل و رحمت خداوند
۱۷۸	فضیل عیاض در مسجد
۱۸۰	مسکین تویی که چهل سال نتوانی نان و ماست از خود منع کنی
۱۸۰	اینگونه درویش را گرامی داشت
۱۸۱	سفیان ثوری و بلبل
۱۸۱	لقمان و ابوالفضل سرخسی
۱۸۲	جنید بغدادی در طور
۱۸۳	سلطان محمود و دادن خلعت
۱۸۳	به چهل گرفتار شدم
۱۸۵	سفیان ثوری و مرد راهب
۱۸۵	پسرم از حساب روز قیامت بترس

صفحه	عنوان
۱۸۶	عبدالله مبارک و پیرزن عصا به دست
۱۸۸	ذوالقرنین و شهر عجیب
۱۹۰	زاهد
۱۹۱	داوود طائی از کبار فقها
۱۹۱	مرا کرم تو خواند
۱۹۳	ذوالنون مصری و دیدن عقرب عجیب
۱۹۴	اسقف و مسلمان
۱۹۶	دزدیدن پیراهن و خشک شدن دست
۱۹۷	چه شد که تاج شاهی از سر بنهادی؟!
۱۹۸	پایش را قطع کردند از درد ننالید!
۱۹۹	آرزوی خوردن ماهی
۲۰۰	رکوع و سجود اویس قرنی
۲۰۰	بویزد بسطامی و مریدان
۲۰۱	ابراهیم ادهم و کشیش
۲۰۲	مرغان بر سر جنازه
۲۰۳	مانند شهدای بدر
۲۰۴	چون او را رو به قبله می‌کردند رو برمی‌گرداند
۲۰۴	احمد حنبل در موقع مرگ
۲۰۶	او را باید به دریا غرق کرد
۲۰۶	به ظاهر مقصر و به باطن دوست

صفحه	عنوان
۲۰۷	خوراک ماهی به چه قیمت
۲۰۸	جوانمرد و سنگ
۲۰۹	اخلاص چیست؟
۲۰۹	هرگز سیر نخورید
۲۱۰	امام حسین (ع) به هنگام نماز
۲۱۰	پاره نان خشک
۲۱۱	در بازار بود و هیچ کس را ندیده بود
۲۱۱	او که یافت باز نخواهد داد و او که دید نخواهد گفت
۲۱۲	جغد که طاووس نبیند لاف جمال زند
۲۱۲	خواستم آن نامه را با خاک خشک کنم
۲۱۳	نفس سرکش را شربتی نسازم
۲۱۳	بسطامی بر مقام علم
۲۱۴	شفقت بیامد آرایش ببرد
۲۱۴	حکایت موذن و زن ترسا
۲۱۵	حکایت بوبکر شبلی میر سیه پوشان بغداد
۲۱۸	حکایت بوبکر رضی شیخ شام
۲۱۸	فرشته مهربان و فرشته باسیاست
۲۱۹	قصه وزیر مأمون و مرد ناشناس
۲۲۰	حکایت بوبکر شبلی و کاغذ پاره
۲۲۱	قصه عمر بن عبدالعزیز و انگشتر پسرش

صفحه	عنوان
۲۲۲	بهشت‌خواهی یا نماز؟
۲۲۲	فرشته مراقب
۲۲۳	عمار یاسر
۲۲۴	اصعمی و مرد عرب
۲۲۶	حکایت بوالحسین عبادانی و جوان اهل طریقت
۲۲۸	حکایت جنید و زیارت طور سینا با جمعی از فقرا
۲۳۰	حکایت ذوالنون مصری
۲۳۱	علم و ارزش آن
۲۳۲	اثر بسم‌الله
۲۳۲	حکایت عبدالملک مروان و بوخازم
۲۳۴	حکایت لیلی و مجنون
۲۳۴	بشر حافی چگونه سعادت‌مند شد؟
۲۳۵	خبری که پیر بوعلی را از هوش برد
۲۳۶	پیرزن صاحب‌مقام
۲۳۶	حکایت زن فاجره و طاووس یمانی
۲۳۷	حکمت نزول ملائکه در شب قدر
۲۳۹	حیوانات و شگفتی کارشان
۲۴۰	جنید و ذکر
۲۴۱	حبیب عجمی و کنیزک
۲۴۲	حسین منصور و شبلی

❖ گزیده حکایت‌های کشف‌الاسرار میبدی م

صفحه	عنوان
۲۴۳	فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه

«به نام خداوند کریم مهربان، بزرگ بخشایش بر جهانیان، به رحمت فراخ، روزی دهنده آفریدگان و دارنده همگان - دشمنان و دوستان - به لطف، نوازنده آشنایان و سازنده کار ایشان در دو جهان.» (مبیدی، ۱/۴۱۵)

کشف الاسرار و عدّةالابرار، تألیف ابروالفضل رشیدالدین مبیدی که تفسیر عظیم بر قرآن کریم است. مؤلف چون تفسیری را که خواجه عبدالله تألیف کرده بود مختصر یافته به شرح آن پرداخته و آیات قرآنی را یک بار ترجمه و دوبار تفسیر کرده است، که بار اول به شیوه مفسران عادی و بار دوم بر طبق مشرب عارفان است. (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۶۸)

کشف الاسرار، هم از نظر خصایص لغوی و دستوری و هم از لحاظ مطالب عرفانی و ادبی بسیاری که در آن آمده است یکی از کتب برجسته ادب فارسی به شمار می‌آورد و مجموعه‌ای بسیار ارجمند از اقوال مشایخ تصوف و شعرهای دلکش عارفانه نیز در آن آمده است که در جای دیگر نمی‌توان یافت. این کتاب از نمونه‌های بسیار شیرین و جذاب نثر فارسی در قرن ششم هجری است و در میان ترجمه‌های بی‌شماری که از قرآن کریم شده از همه زیباتر و شاعرانه‌تر می‌نماید.

رشیدالدین میبدی این کتاب را در سال ۵۲۰ هجری به انجام رسانده است. (همان، ص ۶۹)

این تفسیر شیواترین تفسیر عرفانی است که حله‌ی دلاویز ادب پارسی بر تن دارد. ابوالفضل میبدی در کتاب کشف‌الاسرار چاشنی فند پارسی را به حلاوت سخن صوفیانه درآمیخته و در ترنمی متعادل و موزون کلام اهل معرفت را به اشارات آیات و لطایف، شیرین ساخته است.

میبدی مضامین عمیق عرفانی را با عباراتی ساده و رسا و تماییری زیبا و استوار سهل‌الوصول کرده و آنها را از ژرفای اندیشه و شهود عارفان به سطحی در دسترس عموم درآورده است.

کشف‌الاسرار ترجمه و تفسیر و تأویل آیات قرآن همه را متضمن است. میبدی در تنظیم این مطالب سه مرحله و به تعبیر خودش سه نوبت در نظر گرفته است.

التوبة الاولى: ترجمه آیات به پارسی روان با رعایت اختصار و دقت و امانت کامل در برگرداندن کلمات الهی است. (رکنی، ۱۳۸۹، ص ۳۶)

التوبة الثانية: که بخشی بزرگی از کتاب را شامل می‌شود، در تفسیر آیات به روش عمومی تفسیرهای اهل سنت است که اتکا به احادیث و اقوال مفسران گذشته می‌باشد. (همان، ص ۳۷)

التوبة الثالثة: این بخش به قول خود مؤلف «تعبیری است بر لسان اهل اشارت و بر ذوق جوانمردان طریقت.» گلگشتی است جان‌فزا از ذوق و کلام، و حال و احوال عارفان و مشایخ، دریایی است آرام که آسمان زیبایی اندیشه عارفان را در آینه زلال

خویش می‌نماید و در ژرفای آن دُرْدانه‌های شعر و شعور موج می‌زند. (انزاسی‌نژاد، ۱۳۷۷: مقدمه کتاب)

نگارندگان به نقل شمه‌ای از این لطایف زیبا در التوبة‌القائه از کتاب کشف‌الاسرار پرداخته‌اند. بخش توجیهات ذوقی کشف‌الاسرار - التوبة‌القائه - در این باب آیتی است از بلاغت و نیکوسخنی شاعرانه برای تلطیف روح و ایجاد روحانیت. این کتاب در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول داستان‌های مربوط به پیامبران الهی و بخش دوم داستان‌های عرفانی است.

امید است دستاویزی باشد برای شناخت جهات عظمت و اهمیت کلام‌الله و کنار زدن نقاب لفظ و فهم تعبیرات ادبی و دیدار با چهره واقعی سخن خدا، یعنی سراپرده‌ای که همه نور و هدایت و رحمت و محبت است.

زندگی‌نامه ابوالفضل رشیدالدین میبدی

از این مفسر و نویسنده چیره‌دست چون بسیاری از دانشمندان شرح‌حال روشنگر زندگیش برجای نمانده. آنچه با احتمال می‌دانیم این است که پدرش «جمال‌الاسلام ابی سعید بن احمد بن مهر یزد به سال ۴۸۰ است که بنا به روایات منقول در تواریخ یزد از صلحا و عباد بوده و مزارش تا عهد صفویه برقرار و مورد اعتنا و توجه خاص و عام بوده» و برادرش «موفق‌الدین ابی جعفر بن ابی سعید بن احمد بن مهر یزد که در صفر سال ۵۷۰ در گذشته است.» (رکنی ۱۳۸۹، ص ۳۰)

از القابی که قبل از نام وی آمده مانند: «امام السعید رشیدالدین، الشیخ‌الامام، فخرالاسلام، معین السنته و...» برمی‌آید که او از دانشمندان بزرگ مذهبی و مورد تکریم بوده و از نسبتش به میبد یزد معلوم می‌شود که او با پدرش از زادگاه خود - نواحی مرکزی ایران کوچ کرده و به خراسان یعنی مشرق کشورهای اسلامی آن روزگار که مجمع علما و عرفا بوده رفته و آنجا وطن گزیده است و اینکه نسخ خطی تفسیرش در کابل و بر مزار خواجه عبدالله بوده نیز قرینه‌ای بر این حدس است. (همان، ص ۳۱) روزگار میبدی روزگار طلوع عالمان آگاه، عارفان روشن ضمیر و شاعران شیرین‌سخن در افق فرهنگی ایران اسلامی بود. بی‌شک لطافت سخن فارسی و پختگی مضامین نظم و نثر در وی و امداد به ظهور عرفان در این سرزمین است. میبدی در روزگار عارفانی سخندان به مجلس آنان درآمد و در حضرت آنان زانوی ارادت به زمین زد. اندکی پیش از او عارفانی نازک‌بیاں محفل سماع جوانمردان را به ترانه‌های آسمانی آراسته بودند. در این میان آنکه بیش از همه بر سیاق نثر و اسلوب نگارش میبدی تأثیر گذاشت، پیر هرات «خواجه عبدالله انصاری» بود. نثر خواجه - به شهادت اهل ادب - سرآمد همه نثرهای استوار صوفیانه است، نثری است که هم خود به لحاظ برخورداری از وزن سجع و مضامین شوق‌انگیز به شعر نزدیک‌تر است و هم در جای‌جای با اشعار دلنشین از جناس مزین شده است، عارف هرات، هم نویسنده‌ای سترگ بود هم شاعری بزرگ و ظاهراً اولین کسی بود که نثر مسجع آورد و آن را با شعر در آمیخت. (جلالی

نهالی را که شیخ‌الاسلام انصاری در قرن پنجم کاشت، به‌دست خواجه رشیدالدین به آب لطافت طراواتی شگرف یافت و در قرن ششم در بهارستان وسیع کشف‌الاسرار به ثمر نشست. (جلالی پندری، ۱۳۷۸، ص ۳)

ابوالفضل میبیدی گرچه به گمان قوی درک محضر خواجه نکرده است، اما در مضمون‌یابی و طرز بیان نسب به او می‌برد. مستند این مدعا از یک‌سو سیاق سخن میبیدی است و از دیگر سو، فراوانی او از نقل خواجه و آشکارتر از همه تصریح اوست در آغاز کتاب که: این تفسیر شرح و بسطی است بر تفسیر خواجه‌ی طریقت. (جلالی پندری، ۱۳۷۸، ص ۳)

آثار میبیدی

اولین اثر میبیدی، به نام کشف‌الاسرار و غده‌الابرار، تفسیر بزرگ مشروحی است از قرآن که تألیف آن در اوایل سال ۵۲۰ ه‍.ق. آغاز شد و کتاب کشف‌الاسرار به همت آقای علی‌اصغر حکمت در ده مجلد در دانشگاه تهران به طبع رسیده است. (رکنی، ۱۳۸۱: پاورقی ص ۳۶)

ابوالفضل میبیدی در آغاز کشف‌الاسرار تصریح می‌کند که اوایل سال ۵۲۰ قمری شروع به تحریر آن کرده است. مندرجات متن تفسیر نیز مؤید همین تاریخ است، چنان‌که می‌نویسد: «لاجرم پانصد سال گذشت تا این قرآن در زمین میان خلق است» و نیز اشاره می‌کند که تا روزگار او پانصد و اند سال از وفات مصطفی (ص) می‌گذرد و دین او هر روز تازه‌تر شده، بنابراین حدود تقریبی

زندگی او را می‌توان تخمین زد، به‌خصوص دوران اخیر را که زمان فایده‌رسانی و پدید آوردن آثار علمی بوده؛ یعنی سال ۵۲۰ که تاریخ شروع این خدمت دینی است. (رکنی، ۱۳۸۹، ص ۳۱)

از دیگر آثار وی «اربعین» است که میبدی از آن در تفسیرش چنین یاد کرده است: «این خبر در علوم حقایق و تمکین ارباب معارف، اصلی عظیم است و ما شرح آن در کتاب اربعین مستوفی گفته‌ایم، کسی که این بیان خواهد از آن‌جا طلب کند،» البته اثری از این کتاب باقی‌نمانده است. (همان، ص ۳۵)

اثر دیگری به میبدی نسبت داده‌اند که ظاهراً ترجمه «کتاب الفصول» و سرآغازش چنین است: «کتاب الفصول صنفه الشیخ الامام الاستاد ابوالقاسم یوسف بن الحسین بن یوسف الهروی» «استخرجه الشیخ الامام الحافظ رشیدالدین ابوالفضل المیبدی» (همان، ص ۳۶)

مذهب و عقیده میبدی

کشف‌الاسرار - به‌خصوص بخش تفسیر و تأویل آن - دفترست گویا که با باور دینی و بینش مذهبی و احاطه علمی مؤلف را در خود نگاشته دارد و نشان می‌دهد. از مطالعه کشف‌الاسرار آشکارا درمی‌یابیم که ابوالفضل میبدی مسلمان دینداری است از اهل سنت که در فروع پیرو محمّد بن ادریس شافعی بوده و در مسائل فقهی به نقل آرای او عنایتی خاص داشت. (رکنی، ۱۳۸۹، ص ۳۲)

میبیدی تمام اصحاب پیامبر (ص) را بزرگ می‌دارد و بعد از انبیا، آنان را بهینه عالمیان و گزیده جهانیان می‌شمرد، اما آن‌چه در سراسر این کتاب چشم گیر است، فضایل حضرت علی (ع) است که ذیل آیات راجع به حضرتش از زبان رسول اکرم (ص) نقل می‌کند، یا اخباری که از آن باب علم پیامبر و تفسیر آیات می‌آورد. در نتیجه، مناقب امیرمؤمنان در این تفسیر جلوه و نمود بیشتری می‌یابد. به طوری که سیمای معنوی حضرتش در کشف‌الاسرار از درخشش و حسن ویژه‌ای برخوردار است. هم‌چنین از دیگر امامان شیعه — که به عنوان عترت و رسول عالمان به کتاب و سنت مورد احترام علمای اسلامند — نیز در جای جای کشف‌الاسرار احادیثی چند نقل می‌کند که همه گواهی راستین بر فراوانی دانش آنان و عنایت میبیدی به ایشان است. (همان، صص ۳۵-۳۴)

ویژگی‌های ادبی کشف‌الاسرار

پژوهش و بررسی‌ها این واقعیت را آشکار ساخته که معمولاً مترجمان قدیم به علت ایمان حقیقی و اعتقاد صمیمی که به اسلام و کلام‌الله داشتند، نیروی زبان‌دانی و ذوق ادبی خود را به کار می‌انداختند و می‌کوشیدند تا ترجمانی راست‌گفتار و درست‌کردار برای این نامه مقدس باشند. خوشبختانه کشف‌الاسرار این مزایا را دارا است. میبیدی بدون شک به هر دو زبان پارسی و عربی کاملاً تسلط داشته، از این جهت به بهترین وجه از عهده برگرداندن آیات به پارسی برآمده و نثر او در همین ترجمه‌ها پارسی روان زیباست نه ترجمه تحت‌اللفظی نارسا که متأثر از عربی

است و در عین حال به طور دقیق ترجمان مقصود و معنی آیات است نه ترجمه‌ای آزاد. بدین سبب امروز نیز خواندنی و قابل استفاده برای طالبان ترجمه دقیق و بلیغ قرآن می‌باشد. (رکنی، ۱۳۸۹، ص ۵۷)

این مفسر عارف به سبکی خوش تصنیف خویش را در سه نوبت نگاشته است؛ در نخستین نوبت مترجمی است امین که تازی را به کمال می‌داند و پارسی را به شیوایی تمام می‌نگارد.

در نوبت دوم مفسری است زبردست که بر طریقه اهل حدیث تفسیر می‌کند. او در این مقام در کسوت محدثی متنوع، تاریخ‌دانی آگاه، متکلمی دانشور، فقیهی مشرع و ادیبی خوش سلیقه جلوه می‌کند.

اما نوبت سوم را حکایتی دیگر است؛ عارف مفسر ما در این نوبت از کنار اهل توقیف به جمع جوانمردان طریق توفیق می‌آید و از حوزه نقل و سماع به حلقه وجد و سماع می‌پیوندد، تنگ‌نظری‌های عالمانه جای خود را به وسعت مشرب‌ی عارفانه می‌دهد. دیگر نه از روایت حدیثیان نقلی به میان است و نه از کلمه کلامیان استدلالی بر زبان، آنچه هست لطیفه درویشان است و حکایت بی‌خویشان، از این رو مجال، مجال لطیف‌اندیشی و نازک‌بیانی است. در این نوبت است که انشای شیوا و شیوه دلنشین میبیدی در روایت کلمه عارفان و سخن صوفیان و لطیفه مدّگران به بلاغتی کامل می‌رسد. (جلالی پندری، ۱۳۷۸، ص ۴-۳)